

بازدارندگی منطقه‌ای و تامین امنیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسن رحیمی روشن*

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بو علی سینا

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰)

چکیده

نظریه‌ی بازدارندگی یکی از نظریات مبتنی بر رئالیسم و واقع‌گرایی در عرصه‌ی بین‌الملل است که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و با تضعیف آرمانگرایی، مورد توجه نظریه‌پردازان مسائل استراتژیک قرار گرفت. این نظریه در روابط بین‌الملل به «قدرت» به عنوان مؤلفه‌ی اصلی تبیین‌کننده روابط بین-کشورها تأکید می‌کند و ضمن رد نظرات «ایده‌آلیستی» بر این باور است که میزان قدرت دولتها، تأثیر مستقیم بر میزان امنیت ملی آنها دارد. مقاله حاضر ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه بازدارندگی تلاش دارد نوع انطباق این نظریه را با موقعیت کنونی انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به خصوصیت ذاتی جهان غرب با انقلاب اسلامی و لزوم مقابله با آن و حفاظت کشور و انقلاب این نوشتار معتقد است که بازدارندگی منطقه‌ای می‌تواند تأمین‌کننده امنیت ملی ایران و در نتیجه انقلاب اسلامی در خاورمیانه و جهان باشد.

کلیدواژه‌ها

بازدارندگی، ایران، انقلاب اسلامی و بازدارندگی، امنیت ملی، رئالیسم.

مقدمه

انقلاب اسلامی که براساس نظریه‌ی حکومت الهی مردمی شکل گرفته ذاتاً نافی منافع ظالمانه قدرتهای بزرگ و مخالف نظم موجود جهانی است. این طرز تفکر و شیوه حکومت به طور طبیعی دشمنان و مخالفان فراوانی در عرصه‌ی بین‌المللی دارد؛ تاریخ حدوداً ۴۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی^۱ گواه روشنی بر این مدعا است. از این دیدگاه می‌توان نتیجه گرفت که یکی از چالشهای بزرگ انقلاب اسلامی مسئله‌ی امنیت بوده و هست. پرسش اساسی این است که، «نظریه‌ی بازدارندگی» می‌تواند مبنای نظری تأمین امنیت ایران قرار گیرد؟ اگر پاسخ مثبت است کدام شیوه و کدام روش بازدارندگی می‌تواند سودمند باشد؟

در دنیای امروز، تأمین امنیت ملی در برابر تهدیدات خارجی، نمی‌تواند از دو صورت خارج باشد. یک کشور فرضی، یا باید همانند بسیاری از کشورهای منطقه با توسل به استراتژی اتحاد و ائتلاف با قدرتهای بزرگ امنیت خود را تأمین کند، و راه دیگر اینکه با تکیه بر منابع ملی و خوداتکائی دفاعی، به تأمین امنیت خود بپردازد. برای کشوری همانند ایران، با توجه به پیام جهان شمول آن و ایدئولوژی انقلابی که مخالف وضع موجود جهانی است، راه نخست مقدور نیست و اصولاً روی آوردن به راه اول مستلزم دست برداشتن از آرمانهای انقلاب اسلامی است که نتیجه‌ی آن نقض غرض است. از سوی دیگر بیشتر کشورهای قدرتمند جهان در چهاردهه‌ی گذشته به مقابله با انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. بدیهی است که هیچ اتحاد استراتژیکی بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها مقدور نیست چرا که، در دو طرف مسئله، اشتراک منافع وجود ندارد، بلکه تقابل منافع است. گرچه این تقابل برخی مواقع تحت تأثیر تاکتیک‌های موقت، فروکش می‌کند اما از منظر استراتژیک، تقابل انقلاب اسلامی با غرب ذاتی است. از این رو تنها راه ممکن و عقلایی فراروی ایران و انقلاب اسلامی خوداتکائی در در اکثر موارد از جمله، زمینه‌ی دفاعی است. مسئله‌ای که در دوران دفاع مقدس نیز تجربه شد. و حفظ تمامیت ارضی کشور پس از دویست سال برای اولین بار، و بدون اینکه از اصول و آرمانهای انقلاب عقب‌نشینی شود در سایه خوداتکائی دفاعی مبتنی بر فرهنگ شهادت تضمین شد.

^۱. علت انتخاب انقلاب اسلامی در اینجا با توجه به این نکته است که انقلاب اسلامی فراتر از جمهوری اسلامی و فراتر از فضای جغرافیایی خاک ایران است گرچه تلاش دشمن برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و یا انقلاب اسلامی ضربه زدن به هردو آنها است. اما انقلاب اسلامی فضای وسیعتری از ایران را در برمی‌گیرد و به عنوان یک «مکتب» و یادگار حضرت امام خمینی (ره) در جهان اسلام شناخته می‌شود که اگر متوقف گردد یا محصور شود حکومت جمهوری اسلامی و حکومت‌های الگو گرفته از آن نیز ضربه خواهند دید.

مسئله‌ی قابل توجه این است که، با توجه به پیچیدگی شرایط بین‌المللی و تنوع تهدیدات علیه انقلاب اسلامی، این کشور چگونه می‌تواند به بازدارندگی قابل قبولی در سطح منطقه و جهان دست یابد؟ اگر پاسخ مثبت است موانع موجود چیست؟ و از بین شقوق مختلف بازدارندگی کدامیک می‌تواند جهت تأمین امنیت ملی ایران متناسب باشد؟ این مقاله با تقسیم بازدارندگی به سطوح منطقه‌ای و جهانی، بر این باور است که ایران، در صورت وجود اراده‌ی سیاسی، قادر است به سطح بازدارندگی منطقه‌ای دست یابد و این مسئله با توجه به بافت روابط منطقه‌ای و جهانی، خواهد توانست امنیت ایران در سطح جهانی را نیز تأمین کند. به عبارت بهتر بازدارندگی منطقه‌ای برای ایران در حکم بازدارندگی در سطح جهانی است. مباحث این مقاله با بحثی نظری در مورد بازدارندگی و مفاهیم اساسی آن آغاز می‌شود و سپس دلایل کشورهای جهان سوم جهت دستیابی به بازدارندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه با بررسی دلایل موافقان و مخالفان به انطباق این نظریه با موقعیت انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۱. چهار چوب نظری

یکی از دغدغه‌های انسان در طول تاریخ و به تبع آن دولتها در اعصار مختلف دستیابی به یک امنیت پایدار و زندگی عاری از جنگ و خونریزی بوده است. در همین راستا متفکران و اندیشمندان فراوانی سعی داشته‌اند راهکارهای لازم را در این زمینه ارائه دهند. با بررسی نظریات فلاسفه، جامعه‌شناسان و اندیشمندانی که در این مسیر گام برداشته‌اند می‌توان دو نحله‌ی فکری «ایده‌آلیسم» و «رئالیسم» را مشاهده نمود که هر یک با روش خاص خود تلاش کرده‌اند با ارائه‌ی راهکار و نشان دادن مسیر صلح، به جهانی عاری از خشونت کمک کرده باشند. شاید افلاطون از نخستین کسانی باشد که با ترسیم مدینه فاضله آینده‌ای آرمانی را به بشر نوید می‌داد؛ او می‌گفت مدینه فاضله تحقق نخواهد یافت مگر آنکه فیلسوفان پادشاه شوند یا آنکه شاهان فیلسوف شوند (عنایت، ۱۳۷۷: ۶۲). آرمانگرایی بر این باور است که نوع بشر آرمان خواه و کمال جواست و قابلیت دستیابی به کمال و استعداد بهبود و پیشرفت را دارد و در سطح بین‌المللی می‌توان با ایجاد نهادهای جدید مانند جامعه‌ی ملل و سازمان ملل محیط سیاسی را دگرگون ساخت (آقایی، ۱۳۸۹: ۴۲). ویرانی‌های جنگ جهانی اول باعث گرایش به آرمانگرایی شد و نهادهایی مثل «جامعه ملل» برای همین امر به وجود آمد اما سرخوشی از تشکیل نهاد های بین‌المللی دیری نپایید و سرخوردگی ناشی از جنگ جهانی دوم، را در پی داشت. خسارات سنگین جنگ جهانی دوم ایده واقعگرایی را تقویت کرد که براساس آن، امکان بقاء، درگرو قدرتمند بودن است. برخلاف ایده‌آلیست‌ها که معتقدند با تنظیم معاهدات

بی‌المللی و تشویق انسانها و نظامهای سیاسی، با اندرزهای اخلاقی، می‌توان صلح و آرامش را در جهان حاکم نمود، رئالیست‌ها، بر این باورند که، رهیافت ایده‌آلیستی، ذهنی و آرمانی است و با واقعیات جهان مادی منطبق نیست و هیچ‌گاه نمی‌تواند جامعه عمل بپوشد؛ بلکه برای رسیدن به صلح باید طبع زیاده‌خواه انسان و قدرت طلبی صاحبان قدرت را مدنظر داشت. براساس نظرات واقع‌گرایانه، انسان موجودی زیاده‌خواه است و برای به‌دست آوردن قدرت و رفاه بیشتر از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. انسان اگر ببیند طرف مقابل او قدرت دفاع ندارد برای به دست آوردن موقعیت بهتر، جری‌تر شده و در این جایگاه، اندرزهای اخلاقی و پیمانهای جهانی نمی‌تواند او را متوقف کند. «مورگنتا» معتقد است تمام اعمال و رفتار بشر از قدرت سرچشمه می‌گیرد و قدرت طلبی امری است طبیعی و ذاتی، آرزوی قدرت طلبی و تسلط در نهاد بشر وجود دارد. او بر این باور است که برای اصلاح جهان و رسیدن به صلح باید با طبع بشر کنار آمد نه آنکه علیه آن اقدام نمود (آقایی، ۱۳۸۹: ۳۶). بر این اساس هنگامی می‌توان به صلح جهانی اندیشید که همه توان دفاع از خود را دارا باشند. در این وضعیت است که کسی جرأت نمی‌کند حریم دیگری را مورد تجاوز قرار دهد زیرا از ضربه متقابل او بیم خواهد داشت. بنا بر این از بُعد نظری، ریشه و سرمنشاء نظریه‌ی بازدارندگی در مکتب فکری رئالیسم (واقع‌گرایی) است. این نظریه در مقابل نظرات مبتنی بر ایده-آلیسم (آرمانگرایی (Long, 1991) قرار دارد. سابقه‌ی ایده‌آلیسم به تفکر «رواقیون»^۱ و تعالیم حضرت مسیح (ع) باز می‌گردد. و اوج آن را می‌توان در نوشته‌های (آبه‌دوسن‌پی‌یر) در کتاب صلح ابدی یافت. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۱) خلاصه نظریه‌ی ایده‌آلیست‌ها در مورد برقراری صلح این است که با تکیه بر معاهدات بین‌المللی و اشاعه مفاهیم اخلاقی و بشردوستانه صلح جهانی دست یافتنی است.

۱-۱. چپستی بازدارندگی^۲

استراتژی بازدارندگی برای جنگیدن به کار نمی‌رود بلکه به منظور حفظ صلح استفاده می‌شود به عبارت بهتر از لحاظ فیزیکی، طرف مقابل را دفع نمی‌کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز وی می‌گردد (کالینز ۱۳۷۰: ۱۶۱) به عبارت بهتر بازدارندگی یعنی کوشش یکی برای اعمال نفوذ در دیگری تا او را از اقدام به عملی که متضمن خسارت یا هزینه‌ای برای اولی است باز دارد

^۱. مکتب رواقی (۲۶۵-۳۴۰هـ.ق) مکتبی بود که سعادت انسان را در دوری گزیدن از خشم و سختگیری می‌دانست. خشونت را رد می‌کرد و همه انسانها را برابر تصور می‌نمود تفکر آنها ریشه‌ی قانون طبیعی و حقوق طبیعی شد که حقوق بین‌المللی امروزی ناشی از آنها است.

^۲. Deterrence theory

(ام.الیوت، و رجینالد، رابرت؛ ۱۳۷۸: ۳۷۰). اگر نظریه بازدارندگی را به معنی اتخاذ روشهایی در برابر طرف متخاصم، برای وادار نمودن او به عکس‌العمل مناسب، در برابر خواسته‌های خود، معنی کنیم؛ قدمت آن به اندازه قدمت جوامع بشری است و می‌توان آن را در تاریخ امپراتوری‌های باستانی نیز مشاهده نمود. باز دارندگی توسط کشوری که دارای شاخصه‌های کلی قدرت باشد صورت می‌گیرد شاخصه‌هایی مانند محیط سیاسی در داخل و خارج، ماهیت اهداف سیاسی رابطه‌ی بین دولت و نخبگان و مردم، ماهیت راهبرد نظامی را شکل می‌دهد (تلیس، ۱۳۸۳: ۱۹۸) نقطه‌ی تمرکز بازدارندگی در حوزه‌ی قدرت نظامی است که حاصل منابع راهبردی قابل دسترس، برای یک سازمان نظامی و توانایی آن سازمان در تبدیل منابع به قدرت قهری است (Gregory f Tereverton 2005.p4) به نحوی که این قدرت قهری قبل از آنکه به کار گرفته شود اثر گذار باشد. پیروزی این سیاست به آگاهی کامل از محاسبات طرف مخالف نسبت به حيله‌ای که جدی گرفته شود، بستگی دارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۷۸) نکته‌ی اساسی در بازدارندگی این است که اگر کشوری بتواند حریف را متقاعد کند که هزینه‌ها و خطرات خط‌مشی احتمالی او در دست زدن به حمله، بیشتر از منافع است خواهد توانست امنیت خود را در مقابل آن کشور تأمین کند (Alexander and smoke 1974). نظریه‌ی بازدارندگی در واقع نوع تکمیل شده‌ی نظریه‌ی موازنه‌ی قوا است (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۸) افرادی مانند «برنارد برودی» و «لیدل هارت» را می‌توان از شارحان آن به حساب آورد. بنا بر اعتقاد «برنارد برودی» یک کشور برای اطمینان از سیاست بازدارندگی باید از توان «ضربه‌ی دوم» برای تضمین بقای خود و شکست دادن طرف مقابل آسوده خاطر باشد (لطفیان، ۱۳۷۶/۵/۱۲ روزنامه اطلاعات). به طور کلی، سیستم باز دارندگی از دو بنیان تئوریک مهم یعنی تئوری‌های ساختاری و بازیگر خردمند بر خوردار است. (David, 1996). بازدارندگی یک مفهوم نظامی است و به کارگیری تهدید نظامی برای ترغیب رقیب به عدم حمله، از آن به ذهن متبادر می‌شود بر این اساس اگر قدرت متمرکز شود به ثبات و شکسته شدن قدرت موجب بی‌ثباتی سیستمی منجر می‌شود (عسگرخانی ۱۳۸۳: ۴۶) این مفهوم به‌طور عمده پس از اختراع موشک‌های قاره‌پیما در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ توسط دو قدرت بزرگ جهان (آمریکا و شوروی) توجه استراتژیست‌های نظامی را به خود جلب نمود از این تاریخ تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را، می‌توان دوران بازدارندگی کامل بین دو ابرقدرت دانست.

۲-۱. عوامل و مفروضات بازدارندگی

مفروضات نظریه‌ی بازدارندگی را می‌توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

۱- وجود دو بازیگر رقیب که پیوستگی مثبت یا منفی منافع داشته باشند.

۲- منطقی و عقلایی (عقلانیت ابزاری) بودن دو طرف.

۳- تحمل ناپذیر بودن خسارات ناشی از جنگ احتمالی.

۴- اثرتوان نظامی در تغییر تصمیم بازیگر مهاجم (ر.ک. به سیف‌زاده، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل، (۱۳۷۹)

مفاهیم اساسی بازدارندگی نیز به ترتیب عبارتند: از قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات.

۱-۲-۱. قابلیت

برای تامین توان بازدارندگی، داشتن میزانی از توانایی‌های نظامی و تکنولوژیک لازم است و بدون آن، رسیدن به مرحله‌ی بعدی، که اثرگذاری در ذهن و باور طرف مقابل است، میسر نخواهد بود (لطفیان، ۱۳۷۶: ۲۱۴). این توانایی همان چیزی است که «قابلیت» نام دارد. قابلیت، یعنی توانایی وارد آوردن ضربه به مهاجم احتمالی. نیروی بازدارنده به جز مواردی که بلوف می‌زند باید قادر باشد در صورت لزوم مجازات متناسب را برای طرف مهاجم به مرحله عمل درآورد (امیدوارنیا، ۳۸۱: ۴۴). بنا براین، قابلیت بازدارندگی، در داشتن توانایی برای وارد کردن ضربه‌ی دوم است. یعنی وضعیتی که در آن یک طرف دارای چنان نیروی عظیم و آسیب‌ناپذیری است که پس از تحمل ضربه اول، قادر به وارد آوردن ضربه دوم، به صورت متقابل و تلافی‌جویانه و تحمیل خسارات کلی به طرف مقابل باشد. با توجه به موارد فوق، جنگ برای طرف مهاجم فاجعه‌ای بزرگ تلقی می‌شود و بازیگر مهاجم با علم به اینکه، در صورت وارد نمودن ضربه‌ی اول، کشور متخاصم نابود نشده و قادر خواهد بود ضربه‌ی متقابل را وارد کند، در این صورت هیچ‌گاه دست به حمله نخواهد زد.

۱-۲-۲. اعتبار

بازدارندگی زمانی موثر است که توانایی کافی برای پاسخ به تهدید، وجود داشته باشد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۵). اعتبار در باز دارندگی، یعنی قبول واقعیت داشتن توانمندی و اراده‌ی لازم برای کاربرد آن، جهت بازداشتن مهاجم از تهاجم؛ در کنار توان ضربه‌ی دوم، متقاعد ساختن حریف، نسبت به وجود این توان بسیار مهم است. از این رو، توان ضربه‌ی دوم شرط لازم بازدارندگی است اما شرط کافی نیست زیرا باید دشمن را متقاعد ساخت که این نیروی بازدارنده قادر است خسارات جبران‌ناپذیری بر او وارد آورد. (کالین‌گری، ۱۳۷۸: ۳۲) و اراده سیاسی لازم نیز برای انجام آن وجود دارد. بنابراین «قابلیت» خود توانمندی به صورت عینی و «اعتبار» قبول واقعیت توانمندی توسط رقیب است. به عبارت دیگر، اطمینان یافتن مهاجم بالقوه از «تصمیم قاطع» طرف مقابل مبنی بر پاسخ متقابل در برابر یک حمله احتمالی مفهوم اساسی «اعتبار» می‌باشد. «هنری کسینجر» وزیر خارجه اسبق آمریکا می‌گوید: از نظر بازدارندگی حرکتی که به قصد بلوف است اما جدی تلقی

می‌شود بسیار مؤثرتر از تهدیدی است که واقعی است اما جدی گرفته نمی‌شود. (کارل دوئیچ، ۱۳۷۵: ۲۲۳)

۱-۲-۳. ارتباط

بازدارندگی نوعی استراتژی است و استراتژی، هر نوع به کارگیری وسایل و تجهیزات نظامی برای نیل به اهداف سیاسی است (عزتی، ۱۳۷۳: ۷) اما استراتژی بازدارندگی مبتنی بر حل مسالمت‌آمیز مناقشه است، به نحوی که به برخورد نظامی منجر نشود. از این جهت لازم است دولت‌ها از طریق انتشار اعلامیه رسمی، ارسال پیام و اعلام برنامه‌های خود نیات واقعی خود را در این زمینه آشکارکنند. بازدارندگی هنگامی مؤثر است که نیروی بازدارنده منظور خود را صریح و شفاف به اطلاع طرف مقابل برساند و معین کند در صورت مورد حمله قرارگرفتن دقیقاً چه عواقبی در انتظار مهاجم خواهد بود؛ یا حتی چه نوع سلاحی به کار خواهد رفت. زیرا درغیراین صورت ممکن است درحالی که کشوری قابلیت ضربه دوم را نیز دارد و اراده‌ی به کارگیری نیز وجود دارد اما ارتباط لازم برقرار نشده یا اینکه دلایلی باعث شده حریف منظور طرف مقابل را به به خوبی درک نکند در این صورت ممکن است حمله‌ای صورت گرفته و بازدارندگی معنی خود را از دست بدهد.

۱-۲-۴. ثبات

یک نظام بازدارندگی موثر صرفاً به داشتن نیروی نظامی قدرتمند نیاز ندارد، بلکه یک قدرت بازدارنده‌ی موثر علاوه‌بر معتبربودن، باید با ثبات هم باشد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۶). ثبات به این معنی است که طرفین علاوه بر اینکه از نظر یکدیگر آگاه می‌باشند برای مسائل کوچک و بی‌اهمیت دست به اقدامات شدید و پیش‌بینی نشده نمی‌زنند. (امیر معینی، ۱۳۵۶: ۲۶) زیرا در صورت عدم ثبات در اراده طرفین، ممکن است گاهی اقدامات کوچک و جابه‌جایی معمول نیروها یا آزمایشات سلاحها، آغاز حمله تلقی شود و در پاسخ حمله‌ی پیش‌دستانه‌ای صورت گیرد و بازدارندگی از بین برود؛ حال آنکه، طرف مقابل، چنین قصدی نداشته است. توجه به اصل ثبات به معنی عقلایی عمل کردن بازیگران است. ثبات به اتفاق نظر در منافع نیز بستگی دارد. طرفین منازعه باید در خصوص مسائلی مانند «حفظ حیات» توافق داشته باشند. عدم اشتراک نظر در مورد منافع می‌تواند به شکست بازدارندگی منجر شود.

۳-۱. انواع بازدارندگی

استراتژیست‌های نظامی بازدارندگی را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند که در این قسمت به برخی از وجوه مهم آن پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱. بازدارندگی از نظر وسایل و ابزار: از نظر ابزار و آلات می‌توان سه نوع بازدارندگی را مشاهده نمود

۱- بازدارندگی هسته‌ای^۱

۲- بازدارندگی فوق‌کلاسیک^۲

۳- بازدارندگی متعارف^۳

بازدارندگی هسته‌ای به سلاح‌های اتمی متکی است و بازدارندگی فوق‌کلاسیک هنگامی مطرح است که سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک به کار رود و گاهی بازدارندگی توسط سلاح‌های متعارف انجام می‌شود که نوع معمول بازدارندگی در جهان است.

۳-۱-۲. بازدارندگی از نظر اهداف

بازدارندگی ممکن است به صورت هجومی^۴ یا دفاعی^۵ اتفاق بیافتد. بازدارندگی هجومی در صورتی است که مانع مقابله دشمن با عملی شود که می‌خواهیم انجام دهیم و بازدارندگی دفاعی به منع دشمن از عملی منجر می‌شود که از انجام آن می‌ترسیم. (تهاجم) (امیر معینی، ۱۳۵۶: ۲۶)

۳-۱-۳. بازدارندگی از لحاظ روش

از لحاظ روش به کارگیری بازدارندگی را به بازدارندگی مستقیم^۶ و بازدارندگی غیرمستقیم^۷ تقسیم می‌کنند.

۳-۱-۴. تقسیمات جغرافیایی بازدارندگی

تقسیمات فوق می‌تواند در هر سطحی از قدرت به کار گرفته شود اما گذشته از این تقسیمات بازدارندگی در دو نوع سطح منطقه‌ای و جهانی قابل ارزیابی است. بازدارندگی در سطح جهانی خاص کشورهای ابرقدرت است. به عبارتی، پنج قدرت اتمی جهان در این حوزه قرار می‌گیرند که در برابر همدیگر از استراتژی بازدارندگی برخوردارند. بازدارندگی منطقه‌ای خاص کشورهایی است

^۱. Nuclear deterrence

^۲. classic deterrence

^۳. Conventional Deterrence

^۴. Attacksiv deterrence

^۵. Defensive deterrence

^۶. Deterrence directly

^۷. Indirect deterrence

که در حال توسعه نامیده می‌شوند. کشورهایمانند هند، پاکستان و برزیل را می‌توان در این طبقه قرارداد، زیرا این کشورها در برابر همدیگر از توان بازدارندگی برخوردارند اما در برابر قدرتهای جهانی این موقعیت را ندارند، از سوی دیگر از لحاظ سیاستهای طرح شده، این کشورها تضاد چندانی با نظام موجود جهانی ندارند و جزء خانواده غرب به حساب می‌آیند از این رو اصطکاک با قدرتهای بزرگ ندارند و اگر اختلافاتی موجود باشد اختلاف ماهیتی و فلسفی نیست. این کشورها در مقابل همدیگر از بازدارندگی برخوردارند اما در مقابل قدرتهای بزرگ با توجه به سیاستهای مشترک آنها به بازدارندگی نیازی نیست زیرا تقابل جدی وجود ندارد. اما انقلاب اسلامی گرچه جزء کشورهای در حال توسعه می‌باشد اما از لحاظ عقیدتی و ماهوی تفاوت اساسی با دیگر حکومتهای جهان داشته و اصولاً مخالف نظم موجود جهانی است از این رو نیاز ایران به بازدارندگی بیش از دیگر کشورهای هم سطح است.

۲. تلاش کشورهای در حال توسعه جهت دستیابی به بازدارندگی و دلایل آن

انتقال صحنه سیاست بین‌الملل از وضعیت دو قطبی - که در آن تنها آمریکا و شوروی سابق دارای قدرت چشمگیر و جهانی بودند - به طرف حالت «چند قطبی» تقاضای کشورهای در حال توسعه را برای خوداتکائی دفاعی سرعت بخشیده است. زیرا در فضای جهان دو قطبی بسیاری از کشورها در فضای رقابت بین دو ابرقدرت می‌توانستند آسودگی خاطر نسبی داشته باشند اما با سقوط شوروی و تلاش آمریکا برای برقراری نظم جهانی مطلوب خود حالت بیم و امید ویژه‌ای در کشورهای در حال توسعه به وجود آمد. روند شکست تلاشهای آمریکا در ایجاد نظام تک‌قطبی و حرکت جهان به سوی یک نظام چند قطبی نشان می‌دهد در دهه‌های آینده بازدارندگی همچنان قدرت تأثیرگذاری خود را حفظ خواهد کرد. عدم موفقیت قطعی آمریکا در افغانستان و به‌طور ملموس‌تر در عراق همگرایی هرچه بیشتر اروپا و احساس بلوغ سیاسی این قاره در مقابل آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برای نخستین بار، و سر برآوردن چین سالهای اخیر، نشانگر این است که نظام یک‌دست مورد نظر آمریکا که این کشور نیز پلیس آن باشد شکل نخواهد گرفت. بنابراین در آستانه نظم چندقطبی جهانی، هر کشوری سعی دارد سیاست حفظ منافع خود را با اتکاء به توان خود در پیش بگیرد. از سوی دیگر حرکت یک دهه‌ی اخیر آمریکا به سوی نظام تک‌قطبی مستلزم کاهش تهدید در سطح جهانی نیست بلکه با افزایش تهدیدها و زیاده‌خواهی‌ها، قدرتهای کوچک و بزرگ هر روز بیش از پیش به تولید و تکثیر سلاحهای ویرانگر می‌افزایند. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۷) فن‌آوری هسته‌ای برای نخستین بار در قالب طرح «مانهاتان» توسط آمریکا به عینیت رسید و تا سال ۱۹۴۵ م

انحصار آن در دست آمریکا بود. چهار سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۹ شوروی و سپس انگلستان در ۱۹۵۲ و فرانسه در سال ۱۹۶۰ و چین در سال ۱۹۶۴ به این فن‌آوری دست یافتند. سپس این کشورها متعهد شدند که از انتشار سلاح‌های هسته‌ای و گسترش فن‌آوری آن جلوگیری کنند. دست‌یابی هند به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۷۴ و تلاش‌های پنهان اسرائیل و آفریقای جنوبی و کسب توان هسته‌ای توسط آنها نشان داد که سیاست عدم گسترش سلاح‌های اتمی موفق نیست. گرچه آمریکا و شوروی سابق در ۱۱ مارس ۱۹۶۸ پیش‌نویس پیمان NPT^۱ را به سازمان ملل متحد دادند. این طرح با اصلاحاتی در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به تصویب رسید و سرانجام در مارس ۱۹۷۰ رسمی و الزام‌آور شد. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۷) اما روند حوادث نشان داد که این پیمان نیز نتوانست از گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کند. کره شمالی یکی از امضاکنندگان NPT توانست به این فن‌آوری دست یابد و اکنون مسلح به سلاح‌های هسته‌ای است. مجموع مسائل فوق نشان می‌دهد که نظرات ایده‌آلیستی و خلع سلاح در جهان پرآشوب امروزی جایی ندارد. دارندگان توان نظامی به هیچ روی حاضر نیستند از قدرت و توان خود چیزی کم کنند. حتی دولت‌های فرانسه و انگلیس هیچ‌گاه به کارگیری سلاح هسته‌ای را ممنوع ندانسته‌اند. از این رو، یکی از دلایل مهم رویکرد کشورهای درحال توسعه، به تجهیز بیشتر، احساس عدم امنیت است زیرا آگاهی از فاجعه‌آمیز بودن به کارگیری سلاح هسته‌ای سیاستمداران کشورهای مختلف را که دارای فرهنگ‌های سیاسی مختلف نیز می‌باشند وادار به پذیرش یک نوع صلح تسلیحاتی می‌کند. (کالین گری، ۱۳۷۸: ۳۱) بنابراین ایده حداقل بازدارندگی در کشورهای درحال توسعه دائماً درحال افزایش است. استقلال‌خواهی کشورها دلیل دیگری است که این دولت‌ها به سوی بازدارندگی گام بردارند. خصوصاً کشورهایی که دارای ایدئولوژی و ایده‌های منحصر به فردی می‌باشند که فراتر از مرزهای ملی آنها نیز کاربرد دارد این گونه کشورها عدم تجهیز برای دفاع از خود را به مشابه یک خودکشی محسوب می‌کنند. اندیشمندان کشورهای درحال توسعه دولتهایی را که به معاهدات بین‌المللی پایبندی ندارند و درعین حال مجهز به سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشند و از سوی دیگر هیچ اعمال فشار و محدودیتی از سوی قدرتهای بزرگ و سازمان بین‌المللی بر آنان وجود ندارد بزرگترین خطر برای صلح جهانی می‌دانند. دوگانه عمل کردن قدرتهای بزرگ نسبت به کشورهای جهان باعث تحریک بیشتر کشورها برای دست‌یابی به بازدارندگی است. سلاح‌های هسته‌ای که در جای جای جهان «دیو» شده‌اند و سرانجام روزی بکار خواهند رفت. چنین استفاده‌ای احتمالاً به دلیل مناقشات قدرتهای بزرگ نخواهد بود. (کالین گری، ۱۳۷۸: ۲۹۱) پس کشورهای درحال توسعه از بیم مورد تهاجم واقع شدن در

^۱. Non Proliferation Treaty

جهانی که «قدرت» اساس روابط بین‌المللی است، خویش را ناگزیر از خوداتکائی دفاعی می‌داند. قدرت بازدارندگی نظامی و جلوگیری آن از بروز جنگ، دلیل مهم کشورهای خواهان این توان است، زیرا قدرت را با نصیحت نمی‌توان متوقف کرد و از تجاوز و بازداشت؛ بلکه قدرت را فقط قدرت متوقف می‌کند. از دیدگاه واقع‌گرایان «خلع سلاح» بین‌المللی یک رویای دست نیافتنی است. خلع سلاح به معنی تحدید، کنترل و کاهش ابزار جنگ است. خواه این ابزار نیروی انسانی باشد یا نیروی مادی. خلع سلاح یعنی محروم کردن دولت‌ها از چیزی که بتوانند با آن از خود دفاع کنند. نظریه خلع سلاح بین‌المللی زائیده فکر اندیشمندان علوم سیاسی در اواخر دهه ۱۹۵۰م و اوایل دهه ۱۹۶۰می‌باشد که در طول چند دهه به شدت دنبال شد اما اتفاق نظر بر آن است که دست‌آوردی نداشته است. (کالین گری، ۱۳۷۸: ۳۳۶) برخلاف تنظیم معاهداتی چون NPT «منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای» و CTBT «منع آزمایشات هسته‌ای» نه خلع سلاحی انجام شده و نه آزمایشات متوقف شده است، بلکه در مواردی محدود و به صورت گزینشی از این معاهدات بهره‌برداری سیاسی شده (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۵) بسیاری عقیده دارند که خلع سلاح و پیمانهای مربوط به آن اگر به صورت فراگیر و برای همه کشورها باشد بسیار مطلوب است. اگر زرادخانه‌های اتمی در همه جهان بدون تبعیض برچیده می‌شد و مسابقات تسلیحاتی متوقف می‌گردید و اگر مقررات می‌توانستند عناصر ترس، خودخواهی، نفع شخصی و سودجویی را از فطرت انسانها و ملت‌ها و دولت‌ها بزایلند آن گاه می‌توان گفت که به مسلح شدن نیازی نیست (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۵) اما برخلاف وجود معاهدات خلع سلاح، سلاح‌های هسته‌ای اشاعه یافتند و دولت‌های دیگری به جز پنج قدرت عضو شورای امنیت اکنون به سلاح‌های اتمی دست یافته‌اند و این مسئله معمولاً با خواست و چشم‌پوشی کشورهای ابرقدرت و مدعی خلع سلاح اتفاق افتاده است. مجموع دلایل پیش گفته باعث شده است تا کشورهای بسیاری سعی در خوداتکایی دفاعی داشته باشند زیرا این کشورها در یافته‌اند تنها پس از مسلح شدن است که می‌توان از خویش‌داری صحبت نمود و انتظار داشت که دیگران نیز چنین روشی را برگزینند نه اینکه پیشاپیش خود را در برابر رقبای بالقوه و بالفعل خلع سلاح نمود آن گاه منتظر بود که دیگران با اندرزهای اخلاقی از چیزی که در اختیار دارند استفاده نکنند. تحصیل قدرت هنگامت ممکن است دولت‌ها را به جنگ ترغیب کند (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۶) اما به همان اندازه خویش‌داری هوشیارانه را نیز ترغیب می‌کند. وقتی سلاح‌های مخرب همه را به کشتن قادر کند آن‌گاه کسی کسی را نخواهد کشت (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۶) بی‌اعتباری و عدم تأثیرگذاری موانع تزاید تسلیحاتی و سیاست‌های دوگانه قدرت‌ها و

- سازمانهای جهان در این زمینه از دلایل مؤثر تشویق ملت‌های آزاد به سوی بازدارندگی است که مجموع دلایل کشورهای در حال توسعه را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود
- ۱- احساس عدم امنیت نسبت به کشورهای همسایه و کشورهای دیگر منطقه.
 - ۲- احساس عدم امنیت از سوی ابرقدرتها.
 - ۳- عدم موفقیت پیمانهای خلع سلاح و نگاه دوگانه ابرقدرتها به کشورهایی که برای کسب توان بالای نظامی تلاش می‌کنند.
 - ۴- ایدئولوژی‌های انقلابی و سیاستهای مستقلانه برخی کشورها که طبعاً دشمنان فراوانی دارند.
 - ۵- تمایل به افزایش و ارتقاء پرستیژ ملی.
 - ۶- علاقه به کسب برتری نظامی در منطقه و جهان.

۳. ایران و نظریه‌ی بازدارندگی

اگر وضعیت کشورهایی را که گرایش به بازدارندگی داشته‌اند مد نظر قراردهیم به این نتیجه می‌رسیم که این دولتها در کنار کشوری واقع شده‌اند که با آن دارای اختلافات ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکی می‌باشند مانند هند و پاکستان با این پیش‌فرض به انطباق نظریه بازدارندگی با موقعیت ایران می‌پردازیم. دولت ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ قدم به قدم به غرب و آمریکا نزدیک‌تر شد به نحوی که یکی از نزدیکترین متحدان آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شد. آمریکا برای سد نمودن نفوذ کمونیسم هیچ محدودیتی در ارسال سلاح به ایران قائل نبود. این کشور قول داده بود نیازهای دفاعی ایران را تأمین کند به شرطی که ایران تلاشی برای کسب سلاح هسته‌ای به عمل نیاورد. بنابراین برنامه انرژی هسته‌ای ایران در چهارچوب برنامه اتم برای صلح آمریکا قرار داشت «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۸ دسامبر ۱۹۵۳ طرحی برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام کرد که به طرح اتم برای صلح معروف شد (امیر معینی، ۱۳۵۴: ۲۶۹) براساس این طرح کشورهای دیگر می‌توانستند از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنند.

بنابراین فعالیت هسته‌ای ایران نیز در این چارچوب قرار داشت. به نظر می‌رسد حتی اگر رژیم گذشته ایران دست به ساخت سلاح هسته‌ای می‌زد با مخالفت جدی آمریکا روبرو نمی‌شد و در نهایت برخوردی همانند برخورد با پاکستان صورت می‌گرفت. شاه ایران برنامه‌های اتمی خود را در قالب برنامه صلح‌آمیز معرفی می‌کرد و از خاورمیانه عاری از سلاح اتمی حمایت می‌کرد اما آن را به پایبندی دیگر کشورها به عدم گسترش سلاح هسته‌ای مشروط می‌کرد. اما در حوزه توان نظامی متعارف نیروی نظامی ایران در قالب «دکترین دو ستونی نیکسون» و برای دفاع از منافع آمریکا

در منطقه به شدت تقویت شد. با وقوع انقلاب اسلامی اما ژئوپلیتیک منطقه تغییر یافت و جای دوستی‌ها و دشمنی‌ها عوض شد.

۳-۱. موقعیت ایران نسبت به همسایگان

انقلاب اسلامی موقعیت ایران را در منطقه و جهان تغییر داد. ژئوپلیتیک ایران که برای ابر قدرتها از جمله آمریکا دارای اهمیت بوده و می‌باشد با پیروزی انقال اسلامی از یک فرصت برای این کشور به یک تهدید عمده تبدیل شد. کشوری که قبل از سال ۵۷ برای ایالت متحده متحدی استرا تژیک شمرده می‌شد، به دشمنی تبدیل شد که علاوه بر رهایی ایران از نفوذ این ابرقدرت منافع آن را درکل منطقه با چالش مواجه کرد. بنابراین ایالات متحده برنامه‌های مختلفی را از قبیل کودتا، حمله مستقیم، حمایت از گروه‌های تجزیه طلب، جنگ، تحریم تسلیحاتی و اقتصادی و جنگ نرم‌افزاری فرهنگی جهت مهار انقلاب اسلامی به اجرا گذاشته و آرزوی خود مبنی بر ساقط نمودن انقلاب اسلامی را پنهان نکرد و نمی‌کند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی تأثیر فراوانی بر امنیت ملی ایران داشت زیرا از این پس ایران نمی‌توانست از رقابت هر دو ابر قدرت، برخلاف مخالفت با هر دوی آنها، به سود خود استفاده کند. البته شعارهای انقلاب اسلامی گاهی برای هردو ابرقدرت چنان بیم‌آور بود که برای مهار آن برخلاف اختلافات ایدئولوژیکی خود همسو می‌شدند که نمونه آن را در دوران دفاع مقدس می‌توان مشاهده نمود. از سوی دیگر ایران همسایگان جدیدی یافت که برخی، مثل قزاقستان حتی به سلاح‌هسته‌ای مجهز می‌باشند. در شرق ایران دولت ناپایدار افغانستان واقع شده که این کشور پس از اینکه به اشغال شوروی در آمد و پس از آن در دوران کوتاه حکومت مجاهدین و سپس دوران زمامداری طالبان و اکنون که دولت تحت حمایت آمریکا در آن استقرار یافته و هیچ‌گاه مرزهای امنی برای ایران نبوده است. رقابت بین هند و پاکستان به اتمی شدن هر دو کشور منجر شده است. با توجه به نوع رابطه پاکستان با آمریکا و حضور گروه‌های تکفیری و تجزیه طلب در پاکستان، این کشور در دراز مدت می‌تواند تهدیدی علیه ایران تلقی شود. در جنوب ایران کشورهای حاشیه خلیج فارس با داشتن برخی ادعاهای بی‌ریشه علیه تمامیت ارضی ایران به انباری از تسلیحات آمریکا تبدیل شده‌اند. در غرب و شمال غرب ایران، عراق و ترکیه قرار دارند که دومی جنگ هشت ساله را به ایران تحمیل نمود و اکنون با حضور گروه‌های تکفیری و تهدید دولت شیعی عراق می‌تواند تهدید تلقی شود. حکومت ترکیه و آذربایجان متحد نزدیک اسرائیل با دادن پایگاه‌های متعدد به آمریکا در نزدیکی مرزهای ایران و رابطه‌ی شکننده آنها با ایران آینده روشنی را تصویر نمی‌کند؛ و مهمتر از همه رژیم صهیونیستی که هیچ تعهدی به معاهدات بین‌المللی ندارد بارها انقلاب اسلامی ایران را تهدید به

حمله نموده و حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد. شرایط ژئوپلیتیکی ایران و دشمنان بالفعل و بالقوه و پشت سر گذاشتن یک جنگ هشت ساله ایجاب می‌کند توجه ویژه‌ای به افزایش توان دفاعی کشور صورت گیرد. از سوی دیگر غیر ممکن است که کشورهای قوی که در سایه قدرت نظامی خود «به معنی عام آن» رفاه و آسایش ملت خود را به قیمت تضعیف دیگران فراهم کرده و می‌کنند خود را خلع سلاح کنند. مجموعه دلایل فوق باعث شده که بیشتر صاحب‌نظران به این باور برسند که تمام دلایلی که باعث شده دیگران برای تجهیز خود اقدام کنند در مورد ایران با شدت بیشتری صادق است.

۳-۲. اسلام و توان بازدارندگی

دین مقدس اسلام دین صلح و آزادی است. اسلام هیچ گاه آغازگر جنگ و مشوق آن نبوده است و به پیروان خود اجازه‌ی تعرض ابتدا به ساکن را نمی‌دهد. اما با تأکید فراوانی که به صلح و احترام متقابل وجود دارد دفاع به پیروان دین مبین اسلام واجب است. آیه شریفه «واعذوا لهم ما استطعهم من قوه و من رباط الخیل...» تأکید بر الزام آمادگی برای دفاع است. روح کلی آیه دلالت دارد بر اینکه مسلمانان در هر زمانی با تمام توان باید آماده دفاع باشند و امکانات آن را فراهم کنند تا اصولاً جنگی صورت نگیرد و اگر متجاوزی پیدا شد توان پشیمان کردن او موجود باشد. قطعاً این امکانات در هر عصری مصادیق خاص خود را دارد. روزی اسبان جنگی و شمشیر سلاح اصلی برای دفاع بود اما امروز مصادیق تغییر کرده است. شهید مطهری مصداق «و من رباط الخیل» را کسب و فراگیری دانش روز می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۱ ج ۲، ۸۱) در این مقام «واعذوا لهم ما استطعتم من قوه» اصل و بقیه آیه فرع است که هر زمان می‌تواند مصادیق مربوط به خود را داشته باشد. مسلمانان در هر عصر باید بهترین و قوی‌ترین وسیله برای دفاع از خود را آماده کنند و در زمینه دفاعی به حد نهایی دانش عصر خود برسند.

از این رو در پی کسب دانش روزنظامی بودن مورد تأکید اسلام است، البته اگر اصل دفاع باشد نه تجاوز، طبیعی است کسب قدرت با هدف کشورگشایی و حمله به دیگران حتی به کفار و مشرکین، در اسلام قابل قبول نیست. اما این نکته را باید توجه داشت که کسب بازدارندگی برای جنگ نیست بلکه برای جلوگیری از جنگ است. اسلام اجازه کشورگشایی و کشتار مردم بی‌گناه ولو کافر و مشرک را نمی‌دهد و این عمل بنا به نص صریح آیات و روایات و فتاوی مراجع بزرگ ممنوع است. اما آمادگی دائمی برای جلوگیری از تجاوز با هر وسیله‌ای که بتوان از جنگ جلوگیری نمود عقلی و شرعی و انسانی است. پس با این دیدگاه کسب علوم متداول روز در زمینه‌های مختلف از جمله حوزه‌ی نظامی به عنوان مقدمه‌ای برای امر واجب دفاع براساس اصل «مقدمه‌ی واجب،

واجب است» کاملاً مشروع است. براساس نکات پیش گفته، نظریه‌ی بازدارندگی گر چه به ظاهر یک نظریه مدرن است اما اساس و ریشه‌ی دینی هم دارد.

۳-۳. بازدارندگی منطقه‌ای بهترین گزینه

اگر نظرات موافقان بازدارندگی را بپذیریم و به این نکته قابل شویم که بهترین راه ممکن رسیدن به سطحی از بازدارندگی است آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که کدام نوع بازدارندگی مناسب ایران بوده و قابل دسترسی می‌باشد؟ به نظر می‌رسد رسیدن به سطح بازدارندگی جهانی یعنی به دست آوردن توان ضربه‌ی دوم در برابر قدرتهای اتمی جهان به دلایل فنی و اقتصادی دست کم در کوتاه مدت شاید ممکن نباشد. از سوی دیگر رسیدن به این حجم از بازدارندگی اصولاً لازم نیست زیرا میزان حداقل بازدارندگی برای کشورهای با موقعیت ایران بستگی تام به موقعیت جغرافیایی و سیاسی این کشورها دارد. از این رو کشور ایران برخلاف قدرتهای بزرگ، به قدرت بازدارندگی در حد پایین‌ترین نیاز دارد چرا که بر اساس دستورات اسلام هدف، پیروزی و نابودی طرف مقابل نیست بلکه هدف اصلی بازداشتن دشمن از حمله‌ی احتمالی است.

خصوصیات و ویژگیهای ایران به گونه‌ایست که رسیدن به حداقل بازدارندگی در سطح منطقه و نیروهای غربی مستقر در آن و به خصوص برابر رژیم صهیونیستی امنیت انقلاب اسلامی در برابر آمریکا را نیز تأمین خواهد نمود. زیرا به شرط پیش قدم نشدن ایران در جنگ احتمالی و با فرض دارا بودن توان ضربه دوم، در برابر رژیم صهیونیستی، در برابر حمله احتمالی آمریکا نیز مصونیت خواهد داشت. چون در صورت حمله‌ی آمریکا به ایران؛ اسرائیل - به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و یک ایالت برون مرزی آن کشور در هر سطحی - مورد حمله قرار خواهد گرفت، مسئله‌ای که آمریکا به هیچ وجه مایل به آن نیست. مسلم است آمریکا در برابر هر حمله‌ای به اسرائیل ساکت نخواهد نشست به همین دلیل خود این کشور نیز کاری انجام نخواهد داد که به حمله اسرائیل منجر شود. تجربه نشان داد اتحاد این دو کشور به حدی است که اصولاً هیچ اختلافی در سیاستهای جهانی ندارند و از سوی دیگر لابی یهودی پر نفوذ آمریکا هر دولتی در آمریکا را وادار به تأمین امنیت اسرائیل می‌کند. اگرچه این امنیت با چشم‌پوشی آمریکا از برخی منافع خود به دست آید.

۴. شرط لازم جهت نیل به بازدارندگی منطقه‌ای

«بوفر» استراتژیست معروف فرانسوی معتقد است چنانچه کشوری توان نابودی ۱۵٪ جمعیت یا مراکز صنعتی کشوری دیگر را داشته باشد این کشور از نیروی بازدارندگی برخوردار است. (کالین‌گری، ۱۳۷۸: ۳۰۴) برای مثال اگر کشور «الف» توان موشکی و هوایی در حد توان تحمیل

خساراتی به مقدار پیش گفته را دارا باشد و کشور «ج» دارای سلاح‌هایی دهها برابرکشور «الف» باشد اما کشور «الف» بتواند در مقابل موج اول حملات (ضربه‌ی اول) سلاحهای خود را حفظ کند بازدارندگی بین این دو برقرار است. زیرا با فرض اینکه کشور «الف» بتواند نیروی خود را برای ضربه دوم حفظ کند قادر خواهد بود مراکز عمده کشور «ج» را به تلافی حمله احتمالی او نابود کند. اما کشور «ج» راضی نخواهد شد چنین خسارات سهمگینی را تحمل کند هرچند خساراتی هم که وارد می‌کند سنگین باشد. اما در این روند، کشور الف باید آمادگی عملی ساختن تهدید را داشته باشد و کشور ج نیز از نظر ذهنی اقناع شود که در صورت در پیش نگرفتن سیاست‌های هم‌گرا با کشور الف، مورد حمله قرار خواهد گرفت (لطفیان، ۱۳۷۶: ۲۱۸). چنین وصفی برای انقلاب اسلامی در برابر صهیونیستها و نیروهای آمریکا مستقر در منطقه صادق است و به برابری سلاح‌ها نیازی نیست. اسرائیل با موقعیت نامناسب ژئوپلیتیکی و وسعت‌اندک این کشور (حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع) یا یک ضربه کاری در آستانه نابودی کامل قرار می‌گیرد. به همین دلیل این رژیم همواره سعی داشته جنگ‌ها را به بیرون از مرزهای خود منتقل کند. پس هر یک از کشورها می‌توانند به میزانی از بازدارندگی دست یابند و از مزایای سیاسی آن بهره‌مند شوند. زیرا هر کشور برحسب اینکه مجاور چه دولتی باشد می‌تواند سطح بازدارندگی خود را معین کند. همه این موارد مشروط به وجود مؤلفه‌های بازدارندگی (قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات) می‌باشد. اما این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که الزاماً هر تهدیدی علیه هر کشور، نتیجه‌ی مشخصی را به بار نخواهد آورد، یعنی این‌که ممکن است کشوری در مقابل تهدیدهای سطح پایین‌تر نیز تسلیم شود درحالی‌که کشوری دیگر، در مقابل تهدیدات بسیار شدیدتر نیز سر تسلیم فرود نیاورد. (دوئرتی، جیمز، ۱۳۷۲: ۸۵)

۵. حقوق بین‌الملل و بازدارندگی

بدون شک حقوق بین‌الملل از خواست و اراده‌ی قدرتهای بزرگ تأثیر می‌پذیرد از این جهت بعید به نظر می‌رسد که این کشورها به مسئله‌ای رأی بدهند که در اعمال سیاست‌های آنها محدودیت ایجاد کند. آنها حتی به صورت ضمنی کاربرد سلاح هسته‌ای را نیز منع نکرده‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل اول بار از دولت‌های صاحب سلاح خواست به دولت‌های بی‌سلاح و دولت‌هایی که طرف ترتیبهای امنیتی قدرتهای هسته‌ای نیستند تضمین بسپارند. در دومین اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی برای خلع سلاح در سال ۱۹۸۲ چنین مسائلی مطرح شد. (کالین‌گری ۱۳۷۸: ۳۰۴) اما به جز اعلامیه چین در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ بقیه اعلامیه‌ها دارای شرایطی بودند که ابعاد آن را محدود

می‌کرد. (امیرمعینی، ۱۳۵۴: ۳۰۰) مثلاً شوروی سابق متعهد شده بود که هیچ گاه از سلاح هسته‌ای علیه دولتهایی که از تولید و تحصیل این سلاح خودداری کرده‌اند و در قلمرو خویش سلاح هسته‌ای ندارند استفاده نکند. منظور از جمله آخر، آلمان بود که در خاک خود استقرار موشکهای اتمی آمریکا را پذیرفته بود.

تعهد فرانسه نیز به این نکته معطوف بود که نخستین استفاده کننده سلاح هسته‌ای نباشد؛ اما شامل مقابله با تهاجمی نمی‌شود که به اشتراک، یا اتفاق یک دولت مجهز به سلاح هسته‌ای علیه فرانسه یا یکی از شرکای امنیتی آن صورت گیرد. در واقع سه قدرت هسته‌ای غرب، در تمام دوران جنگ سرد، اندیشه مطلق ممنوعیت اولین ضربه را مردود م‌دانستند. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۴۱) اعتقاد آنان این بود که در صورت پذیرش ممنوعیت کاربرد سلاح هسته‌ای از مهمترین مزیت آن یعنی بازدارندگی محروم خواهند شد.

دیوان بین‌المللی داورری در پاسخ به سؤال مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر اینکه آیا حقوق بین‌المللی تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای را تحت هر شرایطی مجاز می‌داند؟ اعلام نمود، که حقوق بین‌الملل عرفی و نه حقوق بین‌الملل مدون عهدنامه‌ای حاوی ممنوعیت کامل و جهانی تهدید و استفاده از سلاح هسته‌ای نیستند و اما چنین تهدیداتی باید منطبق بر مقتضیات حقوق مخاصمات مسلحانه، خصوصاً اصول و قواعد بشر دوستانه باشد و سپس نتیجه‌می‌گیرد منظور از ضروریات یاد شده این است که تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای علی‌القاعده مغایر قواعد بین‌المللی مخاصمات مسلحانه به ویژه اصول و قواعد بشر دوستانه است. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۴۱) اگر چه دیوان، هیچ نظریه‌ای را به طور قطع تأیید نکرد (ممنوعیت مطلق یا جایز بودن در بعضی مواقع) اما تلقی افکار عمومی این است که دیوان نظر دولتهای هسته‌ای را رد نکرده است. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۴۲) بنابراین، سازمانهای بین‌المللی و معاهدات حقوق بین‌الملل نه تنها نمی‌توانند از بکارگیری سلاحهای هسته‌ای جلوگیری کنند بلکه حکم به ممنوعیت آنها حداقل در لفظ نیز نداده‌اند. این نکته تأییدی است بر نظریات واقع‌گرایی که با تکیه بر معاهدات جهانی نمی‌توان به امنیت پایدار دست یافت. در جهان امروز مهم نیست که چه کسی بیشترین جنایت را انجام داده بلکه آن چیزی که جایگاه متهم و شاکی را معلوم می‌کند قدرت است. از این رو ادعاهای غرب علیه توان دفاعی متعارف ایران هیچ منطق علمی و حقوقی پشت سر ندارد جز این که یک زیاده خواهی ظالمانه است که فقط «قوی بودن» آنرا به عقب نشینی وا می‌دارد.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی نظریه بازدارندگی و امکان انطباق آن با موقعیت فعلی انقلاب اسلامی بود جهت بازداشتن مهاجم احتمالی از حمله به این سرزمین است. چنانکه آورده شد نظریه‌ی بازدارندگی برخلاف فروپاشی نظام دو قطبی هنوز جایگاه خود را در عرصه‌ی جهانی حفظ کرده است. برای مثال یکی از دلایل زیاده خواهی‌های اسرائیل در منطقه غرب آسیا، دارا بودن قدرت بازدارندگی (مستقیم و غیرمستقیم) است. از سویی حقوق بین‌الملل و معاهدات ناشی از آن حتی در صورت استقلال رأی نمی‌توانند امنیت کشورهای عضو را تضمین کنند حمله به عراق توسط آمریکا، و حمله فرانسه به «مالی» و «آفریقای مرکزی» برخلاف نظر سازمان ملل، یکی از موارد مهم در این مورد است. از طرف دیگر حقوق بین‌الملل در ذات خود نظر دارندگان سلاح را مبنی بر حق استفاده از آن رد نمی‌کند. به نظر می‌رسد بازدارندگی در سطوح مختلف آن در جهان امروز و نظمی که در دهه‌های آینده شکل خواهد گرفت همچنان حاکم خواهد بود.

نظریات خلع سلاح نیز نتوانسته‌اند موفقیتی کسب کنند و در موارد نادر که از مرحله‌ی حرف به مرحله عمل آمده‌اند فقط در مورد کشورهای مغلوب اجرا شده است. سلاحهای کشتار جمعی همچنان گسترش یافته‌اند و خواهند یافت و معاهدات منع گسترش نتوانسته‌اند مانع این روند باشند. دولت‌های در حال توسعه به همین دلیل و نداشتن تضمین‌های جدی امنیتی به ناچار به سوی بازدارندگی ملی گرایش یافته‌اند و برخی نتوانسته‌اند این امتیاز را برخلاف مشکلات فراوان آن کسب کنند. سطح بازدارندگی برای کشورهای مختلف متفاوت است کشورهای در حال توسعه عمدتاً به سوی بازدارندگی در سطح منطقه‌ای گرایش یافته‌اند. در این بین انقلاب اسلامی ایران و نظام بر آمده از آن، از موقعیت ویژه و متفاوتی برخوردار است. نخست اینکه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، همواره مورد توجه بیگانگان بوده است. وجود تفکر اسلام انقلابی باعث حساسیت بسیاری از قدرتهای و متحدین آنها شده است این مسئله بیش از هر عاملی باعث دشمنی قدرتهای بزرگ نسبت به ایران در چهار دهه‌ی گذشته بوده است این دلایل و دلایل متعدد دیگر باعث شده ایران بیش از هر کشور در حال توسعه، مورد تهدید باشد. دشمنی همزمان ابرقدرتها و متحدان منطقه‌ای آنان، انباشت سلاحهای مخرب در اطراف ایران وضعیتی را باعث شده که هیچ مسئولی نمی‌تواند و نباید به آن بی‌توجه باشد. بازدارندگی و کسب لوازم آن تا حد دارا بودن توان ضربه‌ی دوم در برابر صهیونیست‌ها از ضروریات سیاستهای دفاعی انقلاب اسلامی است. رسیدن به این سطح از بازدارندگی ایران را به سطح بازدارندگی جهانی ارتقا می‌دهد. زیرا هرگونه ضربه‌ی نظامی به اسرائیل ضربه به آمریکا است. قدرت بازدارندگی ایران نه تنها اسرائیل را از حمله به ایران

باز می‌دارد بلکه از هرگونه حمله آمریکا به ایران نیز جلوگیری خواهد کرد چون ایالات متحده با توجه به نوع پیوندی که با این رژیم دارد نمی‌تواند کاری انجام دهد که موجب حمله به اسرائیل باشد از این رو، رسیدن به سطح بازدارندگی منطقه‌ای ایران را هم از تهاجم کشورهای منطقه و هم از آسیب قدرتهای فرامنطقه‌ای مصونیت می‌بخشد (رحیمی روشن، ۱۳۹۵: ۳۵۳).

ذکر این نکته لازم است که انقلاب اسلامی در حال حاضر به سطحی مطلوب از بازدارندگی رسیده است که شایسته است همچنان ادامه یابد.

با توجه به سیر کلی مطالب، نکات زیر قابل تأمل است

- ۱- نظریه‌ی بازدارندگی مبتنی بر قدرت است و قدرت را عامل مهم در آرامش بین‌الملل می‌داند.
- ۲- بازدارندگی در دوران جنگ سرد توانست به عنوان تجربه‌ای موفق از بروز جنگ بین بازیگران مهم جهانی جلوگیری نماید. و اخیراً در مناقشه اکرین نیز بار دیگر توان خود را در جلوگیری از جنگ نشان داد. تصور این نکته که اگر روسیه توان بازدارندگی نداشت امروز در برابر غرب چه وضعی می‌توانست داشته باشد، کافی است که به موثر بودن بازدارندگی حکم کنیم.
- ۳- برخلاف فروپاشی نظام دو قطبی به نظر می‌رسد جهان به سوی یک نظام چند قطبی در حرکت است که بازدارندگی در روابط آنها نقش مهمی خواهد داشت.
- ۴- نظریات خلع سلاح و منع تولید و تکثیر سلاحهای هسته‌ای در شش دهه گذشته موفق نبوده است.
- ۵- کشورهای در حال توسعه همچنان در بیم ناشی از تهدید کشورهای قوی یا همسایگان خود به سر می‌برند.
- ۶- گرایش کشورهای در حال توسعه به خوداتکایی دفاعی در حال افزایش است.
- ۷- ایران به عنوان یک کشور انقلابی و در حال توسعه با پیام جهانشمول انقلاب اسلامی مبنی بر نفی سلطه قدرتهای جهانی و حس استقلال خواهی ملت ایران بیشترین تهدیدات امنیتی را احساس می‌کند.
- ۸- بازدارندگی (منطقه‌ای) از ضرویات ایران اسلامی محسوب می‌شود.

۹- ارتقاء به سطح بازدارندگی منطقه‌ای امنیت ایران در منطقه و جهان را تضمین خواهد کرد.

۱۰- سرانجام حرکت به سوی بازدارندگی منطقه‌ای وظیفه‌ای ملی، اسلامی، انقلابی و عقلایی است و چشم‌پوشی از آن به هیچ روی جایز نیست. بدیهی است این نوشتار به هیچ وجه تأکید بر میل‌تاریسم و نظامی‌گری ندارد و اصل اساسی و آرمانی انقلاب اسلامی نیز وجود جهانی عاری از

زورگویی و تجاوز است. اما تا هنگامی که این خواسته به حق و آرمانی به واقعیت نپیوسته خوش بینی به آن منطقی به نظر نمی‌رسد.

منابع

الف) فارسی

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۹۰)، *جنگ و صلح، بررسی مسایل نظامی و استراتژیک*، تهران: سمت.
۲. آقایی، داوود (۱۳۸۹)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: سرای عدالت.
۳. ام‌الیوت، جفری و رابرت رجینالد (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک*، ترجمه میرحسین رییس‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱)، *امنیت در قرن بیست و یکم*، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. امیرمعینی، بهروز (۱۳۵۶)، *رساله دکتر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران.
۶. تلیس اشلی و دیگران (۱۳۸۳)، *سنجش قدرت ملی در عصر فرا صنعتی*، تهران: ترجمه و نشر موسسه ابرار.
۷. دوثرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه‌ی علیرضا طیب و وحید بزرگی، ج دوم، تهران: قومس.
۸. رحیمی «روشن» حسن (۱۳۹۵)، *سیاست و دفاع در ایران معاصر (بررسی تطبیقی عملکرد رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران و پیامدها)* همدان: انتشارات سپهر دانش.
۹. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. عزتی، عزت‌اله (۱۳۷۳)، *ژئواستراتژی*، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. عسگرخانی، ابو محمد (۱۳۸۳)، *رژیم‌های بین‌المللی* تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات تحقیقاتی بین‌المللی ابرار.
۱۲. عسگرخانی، ابو محمد (۱۳۷۷)، «سیری در نظریه‌بازدارندگی» *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۲۵.
۱۳. عنایت، حمید (۱۳۷۷)، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب*، تهران: انتشارات زمستان.
۱۴. کارل، دوئیچ (۱۳۷۵)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۵. کالین، گری (۱۳۷۸)، *سلاح جنگ افروز نیست*، ترجمه احمد علیخانی، تهران: انتشارات قوس.
۱۶. کالینز، جان ام (۱۳۷۰)، *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

۱۷. لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)، «بازدارندگی باج‌گیری هسته‌ای و جنگ، نظریه‌های مختلف گسترش و به کارگیری تسلیحات اتمی» *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۷۶/۵/۱۲.
۱۸. لطفیان، محمود (۱۳۷۶)، *استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد دوم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، *حقوق بین‌الملل و سلاحهای کشتار جمعی*، ترجمه امیرحسین رنجبران، تهران: نشر دادگستر.
۲۱. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۳)، *نظریه‌های کلان در روابط بین‌الملل* تهران: انتشارات قومس.

ب) انگلیسی

1. David Long (1991), *J.A Hobson and idealism in international Relations*. Review of international studies London.
2. Garnham David (1996), *Deterrence essentials Keys to controlling an adversary,s behavior*. Abu Dhabi; Emirate center for Strategic studies and Research.
3. George Alexander and Richard Smoke (1974), *Deterrence in America foreign policy theory and practice*. new York Columbia University.
4. Gregory F. Tereverton, Seth G. Jones (2005), *Measuring national Power*. Published.